

فرهنگ عامه
۰۲۰

سفری به ایران

مجموعه‌ای از نقاشی‌های لونی ایل دده‌بوسه

از مناظر مردم ایران

۱۳۳۶-۱۳۳۸



آشناسات بنیاد فرهنگ ایران

بفرمان
شاهنشاه آریامهر

بنیاد فرهنگ ایران

روایت اقتضای

علی حضرت فرج چهلوی شهبانوی ایران

نیابت است

والا حضرت شاد بخت اشرف چهلوی

آداب رسوم و عتقادات اقوام ملل نماینده شیوه تفکر و خصوصیات فنی ایشان است
و روحیه خاص هر ملت را از مطالعه در این امور می توان دریافت .

از این رو « بنیاد فرهنگ ایران » که تحقیق در مسائل مربوط به زبان ادبیات و تاریخ و هنر ایران را
بر عهده دارد مطالعه پژوهش در این رشته را نیز در برنامه کار خود قرار داده است . در این زمینه آثاری که
منتشر می شود و نوع است یکی طبع و نشر کتابها و رسالاتی که در این باب تألیف شده و نسخه های
خطی آنها موجود است . دیگر تحقیق در آنچه امروز در شهرستانها و آبادیهای ایران نزد عامه مردم
جاری و معمول است و اعتقادات و آداب و رسوم که از زمانهای کهن سرچشمه گرفته و هنوز باقی و زنده
مانده است .

کتاب حاضر که مجموعه طرح ها و نقاشیهای مربوط به ایران بعضی کوششهای بسیار در صد سال پیش است
نمودار برجسته و قابل توجهی است از دورنمای شهرها و بناهای تاریخی و لباسهای زنان مردان و وضع
سلاح و جامه سپاهیان آلات موسیقی و ترتیب نگار و جامه های رسمی جلالت درباریان در یک قرن
پیش و چون طراح و نقاش ، عالم نژاد شناسی نیز نبوده است چهره ها را با دقت خاصی از
نیم رخ کشیده تا برای تحقیقات علمی در این رشته نیز سودمند واقع شود ، از این روی دانش
جامعه شناسی ایران از این اسناد گران بها استفاده بسیار می تواند برد .

بنیاد فرهنگ ایران امیدوار است با انتشار این سلسله که فرهنگ عامه ، خوانده می شود
زمینه های برای تحقیقات علمی درباره جامعه شناسی ایران فراهم آورد .

دبیر کل بنیاد فرهنگ ایران
دکتر پرویز نائل خانزری

1. The first part of the document discusses the importance of maintaining accurate records of all transactions and activities. It emphasizes the need for transparency and accountability in financial reporting.

2. The second part of the document outlines the various methods and techniques used to collect and analyze data. It highlights the importance of using reliable sources and ensuring the accuracy of the information gathered.

3. The third part of the document discusses the challenges and limitations of data collection and analysis. It identifies common pitfalls and provides strategies to overcome them, such as using multiple sources and cross-verifying information.

4. The fourth part of the document concludes by summarizing the key findings and recommendations. It stresses the importance of ongoing monitoring and evaluation to ensure the continued accuracy and relevance of the data.

5. The fifth part of the document provides a detailed overview of the data collection process, including the selection of sources, the design of the data collection instrument, and the implementation of the data collection strategy.

6. The sixth part of the document discusses the ethical considerations and legal requirements associated with data collection and analysis. It emphasizes the need for informed consent and the protection of personal information.

7. The seventh part of the document provides a detailed overview of the data analysis process, including the selection of statistical methods, the interpretation of results, and the presentation of findings.

8. The eighth part of the document discusses the importance of data quality and the steps taken to ensure the reliability and validity of the data. It highlights the need for rigorous quality control measures throughout the data collection and analysis process.

9. The ninth part of the document provides a detailed overview of the data storage and management process, including the selection of storage solutions, the implementation of data management policies, and the regular backup and recovery procedures.

10. The tenth part of the document concludes by summarizing the overall findings and recommendations. It emphasizes the importance of maintaining high standards of data quality and transparency throughout the entire data collection and analysis process.

سفری به ایران

مجموعه ای از نقاشی های لوئی ایل دو هوسه
از مناظر و مردم ایران

۱۲۳۶-۱۲۳۸

از مجموعه
نوجهر فرزانفرومایان



بنیاد فرهنگ ایران

سفری به ایران

چند سال پیش، در یکی از روزهای بارانی پاریس که برای گذراندن وقت مشغول تماشای کتاب‌های يك مغازه کتاب کهنه‌فروشی بودم، در میان توده‌ای از اوراق چاپی فرسوده و گردآلود چشمم به چند قطعه نقاشی اصلی افتاد که به غلط داخل آن اوراق چاپی شده بود و ظاهراً به مجموعه تصاویری که برای تدوین رساله‌ای راجع به ایران کشیده و بعداً دستخوش پراکندگی گردیده تعلق داشت. بی‌اختیار یکی از این نقاشی‌ها را برداشته در روشنی پنجره باران خورده کتابفروشی بیشتر در آن دقیق شدم و لطف و زیبایی سحرآمیز آن مورد اعجاب من گردید فوراً تمام نقاشی‌ها را از میان کاغذهای فرسوده جدا ساختم و در آنها دقیق شدم. هر يك از آنها نماینده نمونه‌ای از طبقات مختلف مردم و صحنه‌های زندگانی عادی دیروز کشور ما را مجسم می‌ساخت که به کمال امانت و دقت و مهارت ترسیم یافته بود و بامشاهده آنها پی‌بردم که به آثار فراموش شده گرانبهای دست یافته‌ام

این نقاشی‌ها که به قلم يك افسر گمنام ارتش فرانسه کشیده شده است، دارای دو خصلت متضاد می‌باشد که کمتر در آثار دیگران دیده می‌شود. از يك طرف نمایش مستندی است که کلیه جنبه‌های علمی در آن ملحوظ شده و از طرف دیگر اثرات خلاقه و عواطف لطیف هنرمند که مستقیماً از زندگی الهام گرفته در آنها هویدا است.

این نقاشی‌ها متعلق به اواسط قرن نوزدهم میلادی یعنی زمانی است که تحول بزرگی در تاریخ هنر پیدا شده و هنرمندان جهان اطراف خود را از دیدگاه علمی نگرینستند و مشاهده حقایق عادی زندگی از دید عاطفی و درعین حال علمی گسترشی انقلابی در هنر به وجود آورد و عوالم جدیدی پدیدار گشت که ما امروز اهمیت آن را درک نمی‌نمائیم زیرا این عوالم جزء زندگی عادی و روزمره ماشده است ولی در آن زمان این دید عینی جدید توجه هنرمندانی را که دارای استعداد سرشاری بودند به خود جلب کرد و با روشی خلاقه و جالب که خالی از لطف و زیبایی نیز نبود دنیای تازه‌ای در هنر پدید آورد.

پی بردن به این نکته که هنرمندی با آن همه نبوغ در چنان زمانی به ایران آمده و اوضاع ایران آن روز را در معرض دقت و توجه ما قرار داده و در نمایاندن آنچه دیده واقع بینی و حساسیت را توأم ساخته است دارای اهمیتی غیر قابل انکار می باشد .

در آن هنگام نام دوهوسه بکلی بر من مجهول بود و اکنون نیز که سالهاست در جستجوی آثار او در هر گوشه که سراغ کردم کوشیده ام و اطلاعات ممکن را درباره او در فرانسه و ایران گرد آورده ام باز تاریخ زندگانی او چندان روشن نیست .

معهدنا در اثر آنچه بدست آمده است کلیاتی از زندگی او در اینجا بیان می شود .

لوئی امیل دوهوسه در روز ۱۸ آوریل ۱۸۲۳ در زمان سلطنت لوئی هیجدهم در پاریس چشم به دنیا گشود و در ۱۹ سالگی وارد یکی از مدارس نظام گردید و در بیست و یک سالگی با درجه افسری وارد خدمت ارتش فرانسه شد .

اطلاعات مختصری که از زندگی شخصی و اداری او در دست است معلوم می دارد که سربازی استثنائی بوده و مانند یک سر باز زندگی صحرائی را دوست می داشته و خشونت های اردو را با روح انضباط تحمل می کرده و از جنگ و شکار احساس لذت و نشاط می نموده است، در علم اسب شناسی به مقام اجتهاد رسیده و تا آخر عمر نسبت به این حیوان دوستی عمیقی داشته است . ولی چون زندگی ارتشی تنهارا یکنواخت یافته هم خود را به هنر و علم که در آن ایام مورد توجه روشنفکران بوده معطوف ساخته است و در این رشته ها نه تنها به تماشا و حفظ نفس اکتفا نموده بلکه تا جائی که خدمات افسری به او اجازه می داده است شخصاً و عملاً به اصطلاح وارد گود شده است . دوهوسه سربازی است با فکر مستقل و دانش پژوه که آن را با روح هنرمندی و احساسات عالی توأم ساخته است .

پدرش هیچ شکی نداشت که پسرش شغل ارتشی را برای خود انتخاب خواهد کرد، چون در یک خانواده نظامی به دنیا آمده بود که در حدود دویست سال به پادشاهان فرانسه خدمت کرده بودند و از سنت های خانواده دوهوسه بود که امیل جوان نیز وارد خدمت ارتش گردد .

ولی می توان حدس زد که استعداد های زیاد و گسترده او در رشته های مختلف و متضاد مانع می شد که بتواند به آسانی به انضباط خشک تن در دهد . در عین سربازی دانشمند و در عین دانشمندی هنرور بود و در عین هنرمندی از مشاغل خود چنین استنباط می کرد که بسا آخره یک سر باز است به عبارت اخری در درون خویش چند شخصیت متفاوت داشت و همین موضوع موجب شد که در قسمت اعظم از زندگی خویش با تلخی و ناکامی و نومیدی روبرو گردد .

بزرگترین عدم موفقیت او در کار نظام بود چون ترقیاتش در درجات افسری بسیار به کندی انجام می گرفت و مرتباً در گرفتن درجه عقب می افتاد و ظاهراً علت بزرگ این عقب افتادن ها خود او بود . به جای آنکه به کسب معلومات لشکری (استراتژیکی) بپردازد و موجبات ترقی خود را فراهم سازد بیشتر همش معطوف اموری خارج از کارهای ارتشی و امور مربوط به فرماندهی و تاکتیک بود و با همه اینها سابقه ارتشی او هیچ لکه سیاهی نداشت و در طی جنگ فرانسه بسا

پروس (ایام ناپلئون سوم) توانست تادرجه سرهنگ دومی ارتقاء یابد ولی در خاتمه جنگ که دوره خدمت او به سی سال رسید چند ماه بعد از تنزل درجه بازنشسته گردید و چون بیم آن را داشت که شنیدن خبر تنزل درجه او موجب مرگ پدرش گردد بسیار تلخ کام گردید بویژه آنکه این تنزل رتبه را يك توهینی مستقیم به شخص خود تلقی می کرد خاصه آنکه نمی توانست به علت آن پی برد چون بر خودش ثابت شده بود که توانسته است همان سربازی که پدرش انتظار داشت باشد. چند ماه قبل از این تنزل درجه با وجود کشته شدن عدّه زیادی از افسران و از هم پاشیدن تمام هنگ تقریباً دست تنها ده ساعت خط جبهه جنگ فرانسه را در قسمت خود حفظ نموده و توانسته بود سر تیپ فرمانده خود را که در میدان جنگ زخمی شده بود به سلامت از میدان بیرون ببرد و با کمک های بهداشتی اولیه او را زنده نگاهدارد و در عین حال با جنگ و گریز مانع پیشرفت دشمن گردد، این شجاعت موجب شد که حتی پروسی ها برای او احترام خاصی قائل شوند و بیشتر از شش نفر از جنرال های فرانسه دلاوری او را بستایند متأسفانه این ترفیع که در جنگ بدست آمده بود از طرف کمیته ای از افسران کاغذ باز در پاریس از میان رفت و او بناچار با کمال سرسختی جنگید تا بالاخره موفق شد کمی قبل از بازنشستگی دوباره درجه سرهنگ دومی خود را بدست آورد.

اگر میدان جنگ فرانسه و پروس به دوهوسه فرصت داد که سربازی خود را ثابت نماید ایران عرصه نمایاندن جنبه هنری و علمی او بود.

تاجائی که اطلاعات موجود نشان می دهد تنها در ایران بود که استعداد های مختلف دوهوسه شکوفان گشت چون در سن ۳۶ سالگی که عازم ایران گردید نیروهای فکری و بدنی او در اوج ترقی بود و ظاهراً در پی میدانی می گشت که نیروهای خویش را در آن به منصفه ظهور رسانیده خود را مشهور سازد.

قبل از دوهوسه ناپلئون اول و بعد از او سایر فرماندهان ارتش از نقاشان برای ترسیم نقشه تفصیلی زمین هایی که بعداً عرصه کارزار قرار می گرفت عملاً استفاده می کردند و این روش به دقت تیراندازی توپخانه فرانسه کمک بسیار می نمود مضافاً بر اینکه وجود دانشمندان و هنرمندان در ارتش به شهرت و درخشندگی گروه افسران فرانسه می افزود و آنها را گروهی متمدن و از نخبگان طبقه تحصیل کرده نشان می داد و بدین لحاظ ارتش فرانسه هنرمندان و دانشمندان را با آغوش باز می پذیرفت.

در ایام جوانی که دوهوسه به سمت ستوانی در لشکر کشی ناپلئون سوم به ایتالیا شرکت داشت به او مأموریت داده شد که در ترسیم جزئیات تابلوی یاد بود «محاصره رم» با هراس ورنه کمک نماید و بدین سان استعداد هنری او آشکار گردید و هنگامی که بنا به درخواست ناصرالدین شاه يك هیئت نظامی از افسران فرانسه تشکیل یافت که توپخانه ارتش ایران را به سبک فرانسه نوسازی نماید دوهوسه هم که در آن زمان درجه سروانی داشت به عضویت این هیئت انتخاب گردید.

اضافه بر سمت مشاور نظامی دوهوسه مأموریت داشت که راجع به اسب و شتر ایران هم بررسی‌هایی نموده یادداشت‌هایی بردارد و همچنین طرح نویسی برای لباس متحدالشکل ارتش ایران تهیه نماید .

ولی دوهوسه دیدگاه وسیع‌تری داشت و خود را بخوبی آماده ساخته بود . از مدتی پیش اشتیاق دانش‌پژوهانه‌ای در رشته‌های علوم مردم‌شناسی (آنتروپولوژی) و نژادشناسی (اتنوگرافی) در او به وجود آمد که موجب گردید با مجامع علمی (آکادمی‌ها) تماس گیرد و یک خط مشی بررسی و تحقیق اساسی پیشنهاد نماید و دانشمندان او را در تعقیب بررسی‌های رشته مردم‌شناسی که در آن اوان علم جدیدی شناخته می‌شد تشویق می‌نمودند و یکی از مدیران کارخانه‌های چینی‌سازی سور که عضویت یکی از مجامع علمی را هم داشت از او خواهش کرد سبک سرامیک‌سازی ایران را تشریح نماید و همچنین با مشهورترین مجله مصور پاریس در آن زمان «ایلوسترسیون ژورنال اونی ورسل» (روزنامه مصور جهانی) تماس گرفت و قرار شد که خبرنگار خارجی او باشد و بدین سان دوهوسه وقتی رسماً به سمت یک افسر و معلم فنون نظامی عضو هیئت فرانسوی تحت ریاست ویکتور فرانسیس برون‌یات سرهنگ توپخانه به ایران آمد در واقع عنوان نقاش مردم‌شناس و نژادشناس و روزنامه‌نویس را هم داشت .

در روز ۲۹ سپتامبر ۱۸۵۸ که میسیون نظامی فرانسه به سرحد ایران رسید یک دسته صد نفری از سواران کرد پادگان سرحدی از آنها استقبال نمودند و ورود میسیون را به ایران یکی از اعضای آن بدین شرح بیان می‌کند :

«در ۲۹ سپتامبر بعد از ۲۶ روز راه‌پیمایی وارد ایران شدیم. در حدود صد نفر از سواران کرد سرحدار به پیشواز ما آمده بودند و اسب‌بازی آنها فرصتی بود که ما بتوانیم به سوارکاری این مردم که از نوادگان پارت‌ها هستند آشنا شویم و از آن لذت ببریم . احتراماتی که در بدو ورود ما به ایران به عمل آمد همه‌جا در سراسر راه‌ها از طرف حکام ولایات ادامه یافت و روز ۹ اکتبر وارد تبریز شدیم و به دستور شاهزاده اردشیر میرزا عموی شاه و والی تبریز ما را به عمارت باغ شمال که از بناهای عباس میرزا است بردند. عباس میرزا پسر فتحعلی شاه است که پدر خوشبخت هفتاد پسر و دو بیست دختر بوده است. روز ۲۴ اکتبر شهر تبریز را برای ادامه به سفر یکنواخت و خسته‌کننده خود ترك نمودیم و در سراسر راه از میان کوه‌های لخت و دشتهای خشک می‌گذشتیم و هر روز در محلی اردو زده روز دیگر چادرها را جمع کرده برای منزل کردن در چند فرسخ دورتر حاضر می‌شدیم .»

ولی دوهوسه همواره دفترچه‌ای با خود داشت و برای آنکه یکنواختی سفر آسان بگذرد مداد او لحظه‌ای بیکار نمی‌ماند و گاه باشوق و گاه با اجبار نقاشی می‌کرد و هنوز به تهران نرسیده بود که تعداد طرحهای ترسیم شده او به ۶۰۰ رسید. اوقاتی که به سواری و نقاشی نمی‌پرداخت مشاهدات خود را یادداشت می‌کرد. شاید کوه‌ها در پائین تنها سنگهای لخت برافراشته به نظر می‌آمدند و جلگه‌ها در سفر جز خستگی چیزی نمی‌آوردند ولی مردمی که می‌دید همه به نظر او

سحرانگیز بودند. بالاخره در روز ۱۵ نوامبر ۱۸۵۸ هیئت فرانسوی به تهران رسید و دوهوسه با شگفتی مسرت آمیزی متوجه شد که عده زیادی از مردم شهر فرانسه حرف می‌زنند و در مجامع آنان از افسران فرانسوی به گرمی پذیرائی می‌شود.

وظیفه اصلی هیئت نظامی فرانسوی تعلیم و تربیت هنگی بود که برای ۲۰ هنگ دیگر از ارتش ایران سرمشق و نمونه باشد و در پایان سال اول این هنگ نمونه نظم و انضباط و تعلیمات کافی فرا گرفته و توانسته بود که در مانور همگانی ارتش در سلطانیه لیاقت خود را آشکار سازد. دوهوسه در میان سربازان زندگی می‌کرد و به انجام وظایف خود مشغول بود و گاه‌گاه نیز در بعضی امور در مراسم دربار شرکت می‌کرد و اکنون می‌خواست که عمیقانه به بررسی و مطالعه کشور بپردازد و بیشتر وقت خود را صرف کارهای علمی خود نماید.

تا آن وقت با آذربایجان و مازندران آشنائی یافته بود و اینک به اصفهان و شیراز سفر کرد و از ایل‌های بختیاری ولر دیدن نمود سپس به خوزستان رفت و از آنجا عازم کرمان شد و بعد از آشنائی با بلوچ‌ها رهسپار خراسان گردید تا با سرکمن‌ها آشنائی پیدا کند. هر جا می‌رفت از مشخصات طبیعی یادداشت برمی‌داشت و جمجمه‌ها و نیمرخ‌ها را اندازه می‌گرفت و صدها صورت از افراد ترسیم می‌نمود که از میان آنها دو بیست شکل را به عنوان نمونه مشخص و کامل انتخاب نمود. در پایان مسافرت دفترچه‌های او مملو بودند از صورت‌های اشخاص و نقاشی‌های امکانی و یادداشت‌هایی از عادات و آداب و اطوار زندگی مردم.

حال این یادداشت‌ها کجاست؟ متأسفانه تا کنون اطلاعی به دست نیامده و از صدها نقاشی و طرح که دوهوسه از ایران کشیده فقط ۱۵۰ قطعه بدست آمده است و نوشتن کتاب کامل و جامعی راجع به ایران بر اساس نقاشی‌ها و یادداشت‌های او موکول به زمانی است که تمام آن اسناد بدست آید.

در اینکه دوهوسه هر چه را دیده با کمال دقت و امانت ترسیم نموده و واکنش او در مقابل مشاهداتش دوستانه و صمیمانه بوده است هیچگونه تردیدی نیست. دوهوسه با وارستگی یک نفر دانشمند به ایران آمد و با احساسات یک نفر هنرمند آن را منعکس نمود.

دوهوسه در کشیدن صورت‌ها اعم از بزرگان یاسقاها یا نقل‌ها یا لوطی‌ها یا مطرب‌ها یا فرمانداران بطوری که از یادداشت‌های او معلوم می‌شود مردان ایران به نظر او در هر طبقه از اجتماع مردمی آرام، موقر، شریف و خوددار جلوه می‌نمودند.

از شکل اسب‌ها و شترهایی که کشیده یا مناظر و جزئیات شکارگاه‌ها را که با قوش و تازی ترسیم کرده یا یادداشت‌هایی که راجع به کاشی‌سازی برداشته یا شکل آلات مختلف موسیقی و حتی از جواهرات سلطنتی که نقاشی نموده معلوم می‌گردد که تمام درها در این کشور به روی او باز بوده است مگر صورت زنان ایران معهذاً هر وقت که فرصت یافته که صورت زنی را نقاشی نماید اثر او یکی از بهترین کارهایش به شمار می‌آید.

دوهوسه ملاحظه می‌نماید که روبند زنان باید همیشه آویخته باشد و نامحرم را حق دیدن

روی آنها نیست ولی گاهیگاهی علی‌رغم احتمال ضرب و شتم خواه‌سرایان مراقب‌دختران خطررا بر‌خود‌خریده‌گوشه‌نقاب‌را (به‌قول‌او‌ولو‌برای‌نمودن‌سردماغ‌هم‌شده‌باشد) قدری بالا‌می‌زنند‌و‌او‌ازاین‌فرصتهای‌کم‌و‌کوتاه‌هم‌استفاده‌می‌نماید‌و‌چهره‌زنان‌ایرانی‌به‌چشم‌او‌برخلاف‌صورت‌مردان‌زنده‌و‌بانشاط‌جلوه‌می‌کند .

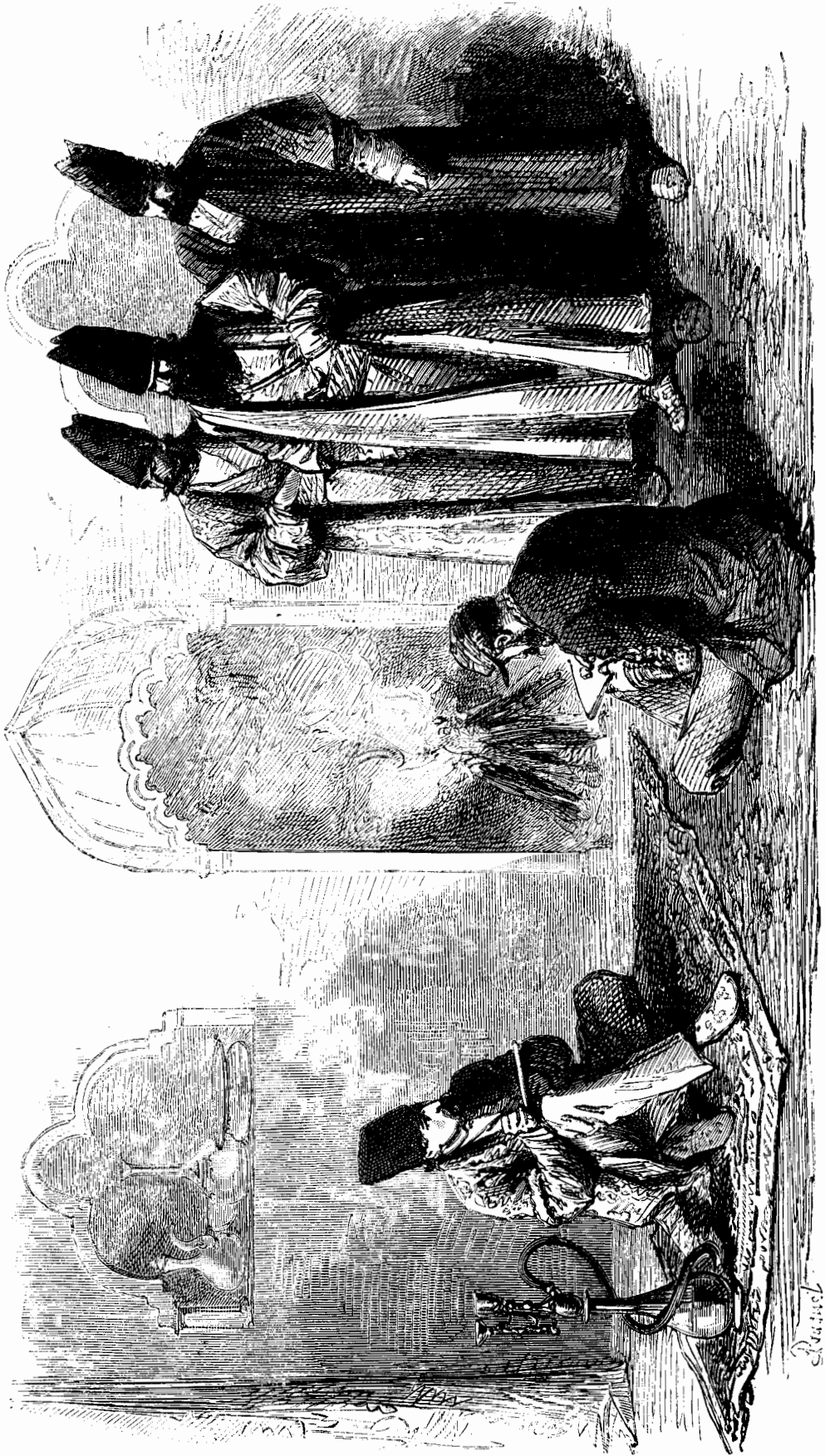
به‌اضافه‌دوهوسه‌زنان‌ایران‌را‌دارای‌مزایای‌درجه‌عالی‌تمدن‌می‌داند‌ولی‌معتقد‌است‌که‌زیبائی‌آنان‌بیشتر‌نشانه‌شهوت‌است‌تا‌نماینده‌هوش‌و‌ذکوت‌و‌علت‌دیگر‌نومیدی‌او‌از‌اینکه‌بتواند‌چهره‌زنان‌این‌کشور‌را‌ترسیم‌نماید‌آن‌است‌که‌می‌گوید‌زنان‌دراین‌قبیل‌مواقع‌بیش‌از‌حد‌آرایش‌می‌نمایند‌و‌اغلب‌نمی‌توان‌در‌اثر‌مصرف‌زیادی‌لوازم‌آرایش‌رنگ‌حقیقی‌چرده‌آنها‌را‌تشخیص‌داد .

در‌پایان‌دوره‌مأموریت‌خود‌دوهوسه‌از‌ناصرالدین‌شاه‌استدعای‌ملاقات‌می‌نماید‌و‌وقتی‌به‌حضور‌می‌رود‌نتیجه‌مطالعات‌و‌طرح‌ها‌و‌نقاشی‌های‌خودرا‌به‌عرض‌می‌رساند‌و‌اجازه‌می‌خواهد‌که‌چهره‌شاهنشاه‌را‌نیز‌بسازد‌و‌آن‌را‌سر‌لوحة‌کارهای‌خود‌قرار‌دهد‌و‌شرح‌این‌ملاقات‌را‌دوهوسه‌این‌طور‌بیان‌می‌نماید .

« وقتی نتیجه مطالعات خود را که در حدود دو‌یست‌صورت‌از‌چهره‌های‌مختلف‌رعایای‌پادشاه‌ایران‌بود‌به‌او‌نشان‌دادم‌و‌توجه‌و‌علاقه‌او‌را‌به‌این‌صورت‌ها‌مشاهده‌نمودم‌از‌فرصت‌استفاده‌کرده‌از‌او‌اجازه‌خواستم‌که‌صورت‌اورا‌تهیه‌و‌سر‌آغاز‌این‌مجموعه‌قرار‌دهم‌،‌و‌وقتی‌اعلیحضرت‌ناصرالدین‌شاه‌بدین‌منظور‌مرا‌احضار‌کرد‌به‌هیچوجه‌مجلس‌صورت‌رسمی‌نداشت‌و‌شاه‌می‌خواست‌که‌من‌دراین‌ملاقات‌از‌یک‌محیط‌خودمانی‌و‌بدون‌تشریفات‌برخوردار‌باشم‌.‌شاه‌بالطف‌و‌ظرافت‌خاصی‌خودرا‌برای‌مواجهه‌با‌خواهش‌من‌آماده‌نمود‌و‌به‌من‌اجازه‌فرمود‌مانند‌او‌روی‌زمین‌بنشینم‌و‌این‌خود‌مرحمت‌استثنائی‌بود‌که‌ا‌براز‌داشت‌سپس‌شاه‌یک‌قلم‌آهنی‌و‌صفحه‌کاغذ‌برداشت‌و‌گفت‌خیال‌دارد‌در‌عین‌حال‌که‌من‌مشغول‌نقاشی‌چهره‌او‌می‌باشم‌او‌هم‌از‌من‌طرحی‌ترسیم‌نماید .‌خوانندگان‌می‌توانند‌برای‌خود‌مجسم‌سازند‌که‌سه‌نفر‌از‌عمال‌عالی‌رتبه‌دربار‌که‌به‌حال‌احترام‌و‌سکوت‌کامل‌شاهد‌این‌محفلی‌بودند‌با‌چه‌چشم‌شگفت‌باری‌پادشاه‌خودرا‌می‌نگریستند‌که‌به‌یک‌نفر‌فرنگی‌اجازه‌داده‌است‌صورت‌اورا‌نقاشی‌نماید‌و‌در‌عین‌حال‌خود‌او‌مشغول‌کشیدن‌چهره‌این‌نقاش‌می‌باشد‌.‌این‌طرح‌به‌سرعت‌کشیده‌شد‌و‌لازم‌به‌گفتن‌نیست‌که‌تا‌چه‌حد‌موجب‌تشویق‌و‌تمجید‌حضار‌واقع‌گردید‌مخصوصاً‌که‌شاه‌کلمه‌«‌دوهوسه‌»‌را‌به‌فرانسه‌نوشته‌بود‌.‌شخصیت‌های‌بزرگی‌که‌حضور‌داشتند‌طرح‌را‌مهر‌کردند‌و‌بدین‌وسیله‌لطف‌مخصوصی‌که‌شامل‌حال‌من‌شده‌بود‌تصدیق‌نمودند‌و‌من‌نیز‌از‌این‌مهربانی‌آنان‌محترمانه‌سپاسگزاری‌کردم‌» .

بعداز‌سه‌سال‌اقامت‌دوهوسه‌ایران‌را‌برای‌همیشه‌ترك‌کرد‌ولی‌خاطره‌ایران‌هیچگاه‌از‌یاد‌او‌بیرون‌رفت .

نقاشی‌های‌دوهوسه‌به‌نظر‌ناپلئون‌سوم‌و‌همسرش‌امپراتوریس‌اوتونی‌رسید‌و‌مورد‌توجه



سپس شاه يك قلم آهني و صفحه كاغذ برداشت و گفت خيال دارد در عين حال كه من مشغول نقاشي چهره او مي باشم او هم از من طرهي ترسيم نمايد .



این صورت یک تبلیغ است در این
Duhose?



Nayeb ul Ayalah
Fakhad Masrqa

این طرح به سرعت کشیده شد و لازم به گفتن نیست که تاجه حد موجب تشویق و تمجید حضار واقع گردید
 مخصوصاً که شاه کلمه «دوهوسه» را به فرانسه نوشته بود.

وتشویق آنان واقع گردید و وزیر جنگ از کارهای او تمجید فراوان نمود و در مجامع دانشمندان بویژه انجمن مردم شناسی و انجمن جغرافیای نژادهای شرق و آمریکا و آکادمی دیژون که دوهوسه با آنها قبل از مسافرت به ایران تماس حاصل نموده بود کارهای او جنب و جوشی به وجود آورد. در سال ۱۸۶۳ مسیو دوکاترژاژ یکی از اعضای فرهنگستان علوم آثار دوهوسه را در فرهنگستان مذکور به معرض نمایش گذاشت و مورد ستایش دانشمندان پاریس و سایر شهرها از جمله برلین و مسکو قرار گرفت و وزیر فرهنگ فرانسه دستور داد که نسخه‌ای از کارهای مردم شناسی دوهوسه برای کتابخانه موزه تاریخ طبیعی تهیه شود.

درست در همان هنگام که علاقه دوهوسه به مسائل علمی به موفقیت نزدیک می شد از دنبال کردن و به نتیجه رسانیدن کارهای علمی خود بازماند چون مأموریت یافت که برای فرماندهی قسمتی از ارتش به آفریقا برود و سه سال در الجزایر بماند.

تأخدی که بتوان قضاوت کرد انتقال دوهوسه به آفریقا آغاز یک دوره بی ثمر و حزن آوری از زندگی اوست. بین مراجعت از ایران و رفتن به الجزایر دوهوسه موفق شد در سال ۱۸۶۲ رساله‌ای در باره تاریخ اسب در خاور زمین منتشر نماید و مقاله‌ای در خصوص اسب ایران در مجله دامپزشکی ارتش فرانسه بنویسد ولی انتشار سایر آثار او راجع به اسب تا زمانی که بازنشسته شد به تعویق افتاد و حال آنکه بایستی در حدود دوازده رساله و کتاب راجع به این موضوع نوشته باشد که به کتاب مهم و بزرگ او به نام «اسب» در سال ۱۹۰۲ منتهی گردد. این آثار بعداً انتشار یافت و در همان وقت کمی که دوهوسه قبل از رفتن به الجزایر داشت موفق شد کتاب کوچکی به نام «مردم ایران» منتشر سازد ولی در این رشته نیز انتشار آثار او به زمان بازنشستگی موکول گردید.

در همین دوره بین مراجعت از ایران و رفتن به الجزایر است که معلوم شد دوهوسه مجسمه ساز نیز بوده است.

اشکالات دوهوسه را می توان در این موقع حدس زد. بارون هوسمن تازه به تجدید بنای شهر پاریس به صورت کنونی با بولوارهای وسیع آن دست زده بود و ساختمان باشکوه اوپرا در همان سال که دوهوسه از ایران برگشت آغاز گردید و همه جا در شهر پاریس دست به کار نوسازی بودند و دوهوسه می خواست در این کار سهمیم باشد.

منزل دوهوسه در دست چاپ رودخانه در میدان «فورستن برگ» چند خانه دورتر از منزل «اوژن دولاکروا» که در آن زمان یکی از درخشانترین ستارگان در آسمان هنر پاریس شمرده می شد و ظاهراً مورد احترام و اعجاب دوهوسه بود قرار داشت.

دلاکروا در آن موقع شخصت و سه ساله بود و قبل از عزیمت دوهوسه به آفریقا چشم از جهان بر بست و سایر چهره‌های مسلم هنر فرانسه اغلب اوج شهرت را پشت سر گذاشته بودند. انگر ۸۱ سال داشت و هاونوره دومیه ۵۳ ساله بود ولی در نهضت هنری جوانتر از نقاشانی که دارای شهرتی بودند جز پیسارو که تازه پا به سالی سالگی گذاشته بود هیچ یک سنشان به سی سال نمی رسد.

مانه ۲۹ ساله و مونه ۲۱ ساله و وسیلی ۲۲ ساله و دگا ۲۷ ساله و رثوار ۲۰ ساله و سزان ۲۱ ساله فانتن لاتور ۲۵ ساله و اودلون رلون ۲۱ ساله بودند .

دوهوسه که سی و نه سال داشت در میان دو نسل از هنرمندان قرن نوزدهم قرار گرفته بود و بادلستگی ژرفی که به جنبش‌های هنری زمان خود داشت مقام خود را در پیروی مکتب دولاکروا می‌دید و روش خالی از طنز و دومی را با سبک واقع بینانه کوربت و میلیه و مانه که از حیث سن از نزدیکترین معاصرین او بودند درهم آمیخته بود . مجسمه‌سازان استاد و مشهور آن زمان آنتوان لوئی بارژ و ژان باتیس کارپو بودند که دوهوسه کار هر دو را در ساختن هیکل اسب نادرست تشخیص داده بود . اگوست رودن که ۲۱ سال داشت هنوز در گمنامی بسر می‌برد افسوس وقتی دوهوسه مجدداً به کارهای هنری برگشت ۵۰ سال داشت و در اثر ابتلا به بیماری چشم در الجزایر و اسارت در دست آلمان‌ها سلامت خود را از دست داده بود و وضع هنر نیز با سال‌های اوایل دههٔ هفتم قرن نوزدهم تغییرات فاحشی پیدا کرده بود . بهترین زمان برای نشوونمای نبوغ هنرمندی دوهوسه همان هنگام بازگشت او از ایران بود که متأسفانه از دست رفت . وظیفهٔ بی‌چون و چرای نظامی که دوهوسه را وادار به امتثال امر و رفتن به الجزایر نمود نه تنها مانع از آن شد که بتواند جای خود را در میان هنرمندان و مجسمه‌سازان مشهور زمان به دست آورد بلکه او را در نیل به مقام شامخی در عرصهٔ ادبیات و نویسندگی نیز بازداشت . سیاحان فرانسوی دیگر مانند گوست و فنلانندن و هومر دوهل که از ایران بازدید نمودند بهتر کامیاب شدند و در انتشار یادداشت‌های خود بیشتر مورد تشویق و تحسین قرار گرفتند کتاب گوست و فنلانندن که بین سال‌های ۱۸۴۰ و ۱۸۴۱ در ایران به سیاحت پرداختند از طرف دولت فرانسه چاپ و منتشر شد و هومر دوهل که بین سال‌های ۱۸۴۶ و ۱۸۴۸ در ایران گردش می‌کرد و در اصفهان در گذشت سیاحت‌نامهٔ مشهور او را نیز دولت فرانسه به چاپ رسانید .

ولی آثار دوهوسه مواجه با زمانی گردید که توجه دولت فرانسه معطوف مسائل دیگری بود مسئلهٔ مکزیك دقت همرا جلب نموده بود و ناپلئون سوم تمام هم‌خود را صرف آن می‌نمود که به زور نیروی نظامی فرانسه ما کسی میلیان آرشیدوک اتریش را به مقام امپراطوری کشور مکزیك برساند، و در نتیجه آثار دوهوسه در بوتهٔ فراموشی ماند و اگرچه چند رساله از او انتشار یافت ولی هیچگاه به پنج شش سال فرصت که برای تدوین و تنظیم کتاب بزرگ مصوری راجع به مسافرت او به ایران لازم بود در اختیار وی قرار نگرفت و مجموعهٔ تصویرهایی که به این منظور تهیه کرده بود جزء يك مشت اوراق و نمودارها بین کتابفروشی‌های مرطوب پاریس دست به دست می‌شد .

آثار آن که از دوهوسه باقی مانده است بالاخره ثابت می‌دارد که سهم او در شناساندن ایران آن زمان از هیچیک از سیاحان مشهور فرانسوی که از این کشور دیدن نموده‌اند کمتر نیست . دوهوسه نه بعنوان يك سرباز یا يك عالم بلکه بعنوان يك هنرمند باریده‌ای روشن‌بین و موی شکاف به ایران آمد و مجموعهٔ مستند بی‌نظیری از تصاویر وضع زندگی این کشور در آن

زمان به وجود آورد در این اوان که ملت ایران تدریجاً از طرز زندگانی قدیم خود دست برداشته به سوی تمدن امروزی جهان می‌گراید اهمیت آثار و نقاشی‌های دوهوسه بیش از پیش افزایش می‌یابد .

اسب ایران با سوئ‌های مختلف آن جای خود را به جیب‌های ساخت کشور و سایر اتومبیل‌های آخرین سیستم داده و به جای شتر قطارهای راه آهن و کامیون‌های غول آسا در روی جاده‌های اسفالت مشغول بارکشی می‌باشند . کوره‌های کوچک تهیه ذغال چوب تقریباً از میان رفته و صنعت عظیم نفت ایران جایگزین آن گردیده است . نقالان نابینا به رادیو و تلویزیون تبدیل شده‌اند و کشور ایران برای به دست آوردن آن درجه از ترقی که برای ادامه بقا لازم و مطلوب است همگام با دیگران به سوی هم‌آهنگی و یگانگی جهانی که بر همه جا حکمفرماست پیش می‌رود .

نقاشی‌های دوهوسه به شاه ریشه و اکنش و احساسات شخصی مردم ایران که نسبت به سرزمین خود دارند بسیار نزدیک است و بیهوده نخواهد بود که گاه‌بگاه آن دوره از تاریخ کشور را مورد بررسی قرار دهیم تا شاید بتوانیم آنچه را از دیدگاه نوسازی که هنوز دارای ارزش می‌باشد حفظ نمائیم .

دوهوسه ساعات غروب يك دوره تمدنی را که هنوز به قوت خود باقی است مجسم می‌سازد و این دوره تمدن هر چند که بیشتر از آنچه تاریخ اجازه می‌دهد دوام کرده ولی آنچه جالب توجه می‌باشد این است که این دوره تمدن تا این حد دیر پائیده است و هیچ نیروئی نتوانسته است اساس آن را از هم بپاشد و نماینده يك وضع زندگی است که از وقتی که حکیم عمر خیام از پله‌های رصدخانه خود بالای رفته با حافظ در مدرسه شیراز با ملاها به مباحثه می‌پرداخته تا آن روز تغییر مؤثری در آن راه نیافته بوده است .

هنوز قصه‌های شهرزاد افسانه گو به همه گوش‌ها خوش آیند و لطیف می‌آمده و سخنان اخلاقی سعدی تازگی خود را از دست نداده بوده است و هنوز درویشان اشعار ملای رومی را در کوچه و بازار می‌خواندند و مردم بدون هیچ اشکال به معانی آن پی می‌برده‌اند . این تصاویر نمودار عصر باستانی و دوره سوارکاری ایران است و از وجنات چهره‌ها می‌توان به آسانی به آثار خودنمایی و رنج صاحبان آنها پی برد . این نقاشی‌ها تنها نماینده يك قرن نیست بلکه در واقع نمایش يك هزاره است و هر چند با کلمات نمی‌توان آن را بیان داشت ولی این تصویرها با طرز شگفت آوری آن را در برابر چشم ما مجسم می‌نماید .

بادیدن این نقاشی‌ها می‌توان اوضاع زندگانی آن روز مردم ایران را از دریچه چشم مردی تیزبین در بهترین دوره از زندگی خود، که دارای نیروی بدنی يك سرباز و فکر يك دانشمند و دست‌های يك هنرمند بوده است تماشا نمائیم .

چه بسیار مردم دارای استعداد و نبوغ که در جهان گمنام زیسته و ناشناخته نیز زیر خاک رفتند و راز زندگی و آثار آنان ناگفته مانده و از دست رفته ولی بخت با دوهوسه یار بود که هر

چند علائم و اخلاف چندانی از خود باقی نگذاشت آثار او کشف گردید و بعد از صدسال اسم او زنده و جاودان شد و بنیاد فرهنگ ایران با انتشار این کتاب خدمات او را به این آب و خاک تحسین و تقدیر می نماید .

منوچهر فرمانفرمایان

شرح تصویرها

| | |
|---|---|
| <p>۱۹ زن باچادر و چاقشور و روبنده</p> <p>۲۰ زن باچادر چاقشور و روبنده</p> <p>۲۱ زن با چادرچاقشور و روبنده</p> <p>۲۲ ناصرالدین شاه</p> <p>۲۳ پیش خدمت باشی سلام</p> <p>۲۴ محمد افغان</p> <p>۲۵ اردشیر - از زردشتی های یزد</p> <p>۲۶ ترکمن</p> <p>۲۷ محمدحسین افغان</p> <p>۲۸ از اهالی دربند (قفقاز)</p> <p>۲۹ سلطان احمدخان - حاکم هرات</p> <p>۳۰ آقا سیدمحمد - امام جمعه اصفهان</p> <p>۳۱ محمد کابلی</p> <p>۳۲ شاه میرزا - ترکمن خیوه</p> <p>۳۳ بلوچ افغانی</p> <p>۳۴ شاه پسند - بلوچ افغانی</p> <p>۳۵ شاه مراد</p> <p>۳۶ سید نصرالله - اصفهانی</p> <p>۳۷ درویش سید یقین علی - اصفهان</p> | <p>۱ زن ایرانی باچارقده</p> <p>۲ زن ارمنی از جلفای اصفهان</p> <p>۳ زن ایرانی باچارقده</p> <p>۴ زن ارمنی</p> <p>۵ زنان ارمنی در لباس خارج منزل</p> <p>۶ زن ارمنی در لباس داخل منزل</p> <p>۷ رقاصه</p> <p>۸ ناهار زن متشخص ایرانی و خدمتکار</p> <p>۹ بساط چای</p> <p>۱۰ زنان ایرانی</p> <p>۱۱ زن ایلپاتی</p> <p>۱۲ زن ایرانی با قلیان</p> <p>۱۳ ساقی</p> <p>۱۴ کلفت با آفتابه لگن</p> <p>۱۵ زن چادری با روبنده (چاقشور در دست دارد)</p> <p>۱۶ زن چادری</p> <p>۱۷ زن با چادر و چاقشور و روی باز</p> <p>۱۸ زن باچادر و چاقشور و روبنده نیمه باز</p> |
|---|---|

| | | | |
|----|--|----|---------------------------------|
| ۶۱ | حسین غیاث کرمانی - میراب کرمان | ۳۸ | یکی از سادات |
| ۶۲ | آخوند یزدی | ۳۹ | طیارخان - از سادات ترکمن |
| ۶۳ | یکی از متشخصین ایرانی | ۴۰ | کرد در لباس جنک قدیم |
| ۶۴ | از اهالی شوستر با چبق | ۴۱ | کرد در لباس جنک قدیم |
| ۶۵ | قلیانچی | ۴۲ | مراد خان - کرد در لباس جنک قدیم |
| ۶۶ | قهوه چی | ۴۳ | مراد - بختیاری |
| ۶۷ | سقا با مشك و قلیان | ۴۴ | عبدالکریم - کرد |
| ۶۸ | درویش | ۴۵ | سنجر کرد - ارومیه |
| ۶۹ | قلیانچی | ۴۶ | قوش چی |
| ۷۰ | بالا : - از اهالی شوستر | ۴۷ | جلودار سلطنتی |
| | دست چپ : - افغان - قندهاری | ۴۸ | سرباز |
| | دست راست : عرب کربلا | ۴۹ | بختیاری از کوههای لرستان |
| ۷۱ | لر شوستر | ۵۰ | افغان قندهاری |
| ۷۲ | چهره های مختلف یزد | ۵۱ | افغان قندهاری |
| ۷۳ | قلیاندار (قبل منقل) | ۵۲ | از اهالی خرمدره |
| ۷۴ | آبدار | ۵۳ | چاروادار |
| ۷۵ | افراد نظامی در حال راحت باش | ۵۴ | از اهالی خراسان |
| ۷۶ | ملازمین شکار از چپ براست : - آبدار - | ۵۵ | کرد ارومیه |
| | تازی بان - قوش چی - تفنگدار - قلیاندار | ۵۶ | ترکمان تکه |
| ۷۷ | محکومین در کند و زنجیر | ۵۷ | درویش هندی |
| ۷۸ | مجلس وعظ در اصفهان | ۵۸ | کرد مسلح |
| ۷۹ | استراحت پس از شکار (احتمالا | ۵۹ | درویش سید یقین علی (اصفهان) |
| | اسب سوار خود نقاش است) | ۶۰ | حسین غیاث کرمانی - میراب کرمان |

- ۹۵ بالا : - پاسنگان - بین قم و کاشان
 پائین : - سن سن - بین قم و کاشان
 ۹۶ منظره شهر تهران و شاه عبدالعظیم
 ۹۷ گنبد سلطانیه
 ۹۸ بالا : - منظره شهر قم
 پائین : - امامزاده‌ای نزدیک کاشان
 ۹۹ بالا : کنارگرد - راه قدیم تهران قم
 پائین : - دریاچه حوض سلطان
 ۱۰۰ دروازه میدان زنجان
 ۱۰۱ چادر کاپیتان دو هوسه در اردوی
 نظامی سلطانیه
 ۱۰۲ بالا : - مسجد زنجان
 پائین : - شهر زنجان
 ۱۰۳ بالا : - ارگ تبریز
 پائین : - میدان کورپی سی (پل)
 در تبریز
 ۱۰۴ بالا : - ارگ تبریز
 پایین : - مسجد کبود تبریز
 ۱۰۵ بالا : - پل غزل اوزن (پل دختر)
 پائین : - شهر میانه
 ۱۰۶ مناظری از شهر قم
 ۱۰۷ بالا : - چادرهای شارژدافر فرانس
 در اردوی سلطانیه

- ۸۰ مناظری از زندگی روزانه
 ۸۱ مناظری از زندگی روزانه
 ۸۲ بالا : - نقاره‌چی
 پائین : - سه تارزن
 ۸۳ سنتورزن
 ۸۴ سرفاچی
 ۸۵ عمله نقاره‌خانه
 ۸۶ دست راست : - تنبک‌زن (ضرب گیر)
 دست چپ : - غرک زن
 ۸۷ بالا : - دایره‌زن
 دست راست : - کمانچه‌زن
 دست چپ : - تنبک‌زن (ضرب گیر)
 ۸۸ کمانچه‌زن
 ۸۹ عمارت باغ شمال در تبریز
 ۹۰ بالا : - شکار رفتن شاه از سلطانیه
 پائین : - اردوی سلطانیه و
 صاحب‌منصبان فرانسوی
 ۹۱ یکی از دروازه‌های کاشان
 ۹۲ بالا : - امامزاده حسن کاشفی در سلطانیه
 پائین : - چادرهای سپهسالار در
 اردوی سلطانیه
 ۹۳ قافلان کوه
 ۹۴ امامزاده قاسم - شمیران

- ۱۱۰ دروازه‌های تهران
۱ - بالا : - دروازه دولاب
۲ - وسط : - دروازه شمیران
۳ - پائین : - دروازه دولت

پائین : - چادرهای سفارت انگلستان
در اردوی سلطانیه

۱۰۸ بالا : - مورچه خورت

وسط : - کاروانسرای صدرآباد

پائین : - پل دلك تزدیک قم

۱۰۹ دروازه‌های تهران

بالا : - دروازه قزوین

وسط : - دروازه نو

پائین : - دروازه شاهزاده عبدالعظیم

مپاسگزارى

از كليه سروران و دوستانى كه مرا در تهيه و چاپ اين كتاب تشويق و كمك و راهنمائى نموده اند بدىنوسيله سپاسگزارم.
ابتدا تشكرات خود را به جناب آقاى دكتر منوچهر اقبال رياست هيئت مديره و مديریت عامل شركت ملي نفت ايران تقديم مى نمايم .
از بنياد فرهنگ ايران كه چاپ اين كتاب را بعهده داشته اند خصوصاً كمال تشكر و امتنان دارم .

از آقاى دكتر رومن گيرشمن كه سالها رياست هيئت خاور شناسان فرانسوى را در ايران بعهده داشته و در تحقيق راجع به زندگى دوهوسه به اين جانب كمكهاى ذيقيمتى نموده اند سپاسگزارم و نيز از جناب آقاى دكتر پرويز عدل مدير كل وزارت امور خارجه كه اسناد مهمى در اين باب در اختيار اينجانب گذاشتند قدردانى و تشكر مى نمايم .

از آقاى گريگورى ليما كه در آماده نمودن متن كتاب سهم بسزائى داشته اند كمال تشكر را دارم و نيز از آقاىان على اشرف شيبانى و مرتضى امونا كه در تهيه و تنظيم كتاب وقت فراوانى صرف نموده و بدون يارى آنان تهيه اين كتاب هيچگاه ميسر نمى گرديد كمال امتنان را دارم .

همچنين نسبت به خانم زهرا شادمان دانشجوى ادبيات ايران در دانشگاه پاریس و خانم مادلن شهبازى و آقاى ژان كيزل استاد زبان فرانسه در دبیرستان رازى و دوستان ارجمند ديگرى كه يارى آنان باعث موفقيت اينجانب در تهيه اين كتاب شده است مراتب قدردانى خود را ابراز مى نمايم .

منوچهر فرمانفرمائيان



Perse.
Fauloung d'Isapahan.

armyienne de
djulfa - 1859.













Dejeuner d'une Dame Persane et d'Enfants



Tehéran
1960

J. B. B.



Thé





1859

Ylente

1859



Perisiana 1859



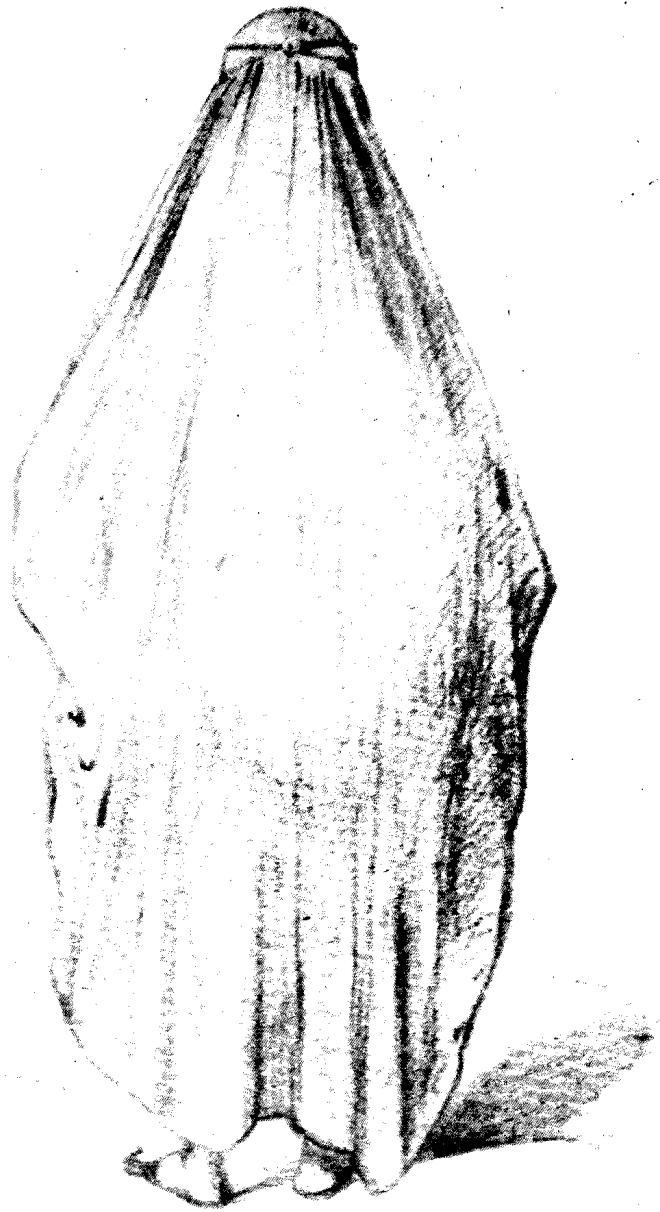


servant portant l'astabi 1859



1859

Jayahan



1858

Ed. Huxley



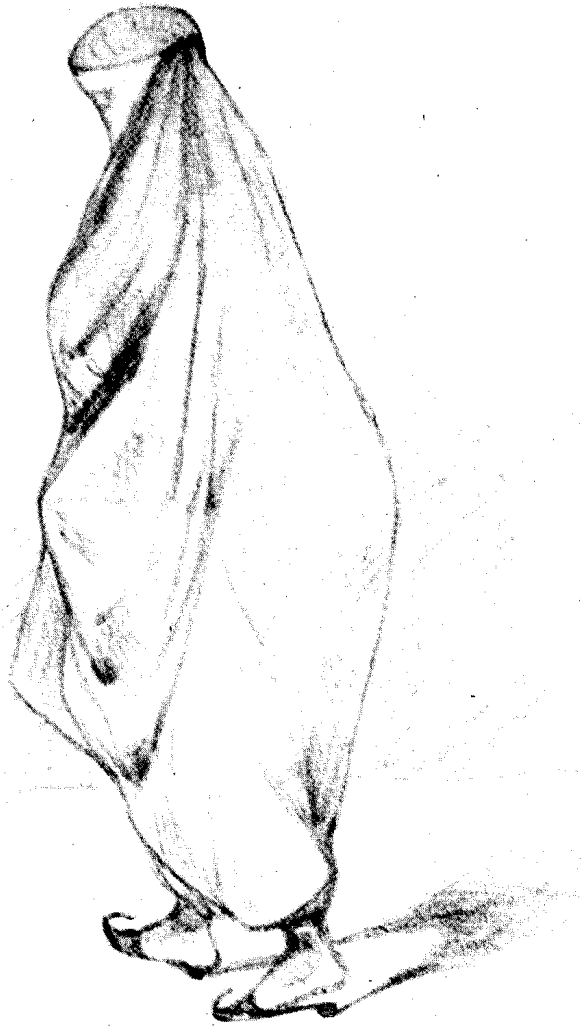
1858

Teheran



1858

Beharum



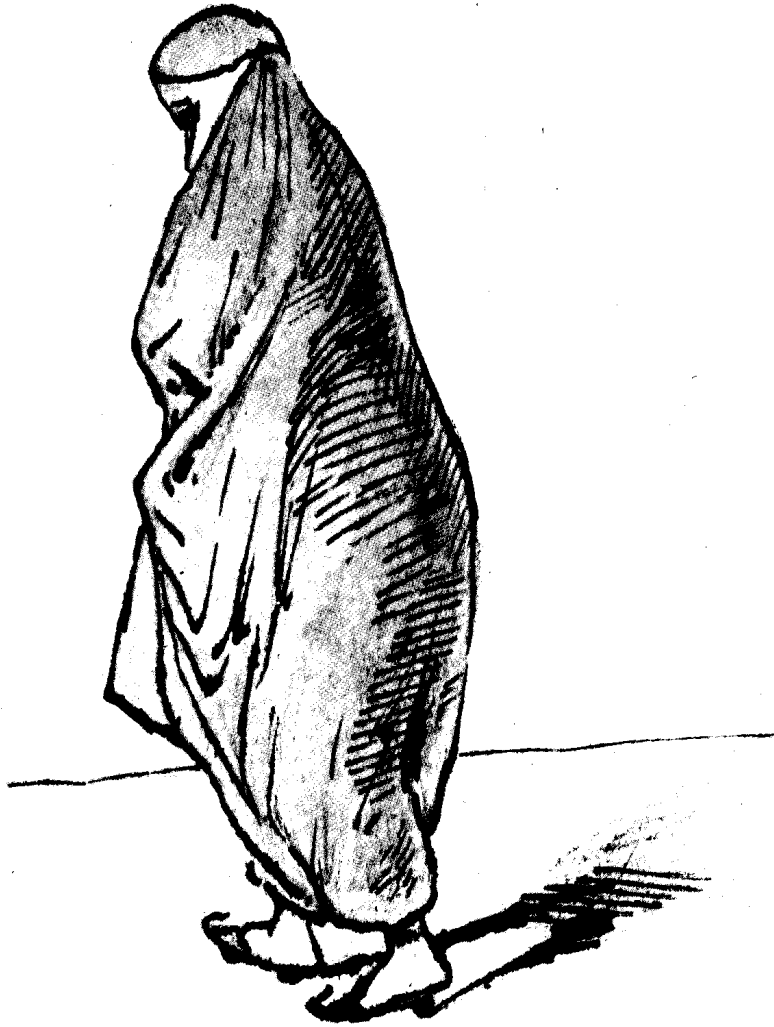
دانشگاه تهران

1858

تهران



1858





voyage en Perse
Duhamel



پسران شاهنشاهی



Afghan.
Voyage en Perse
Dubouffé



تاج

Guêbre
de
Tadj.
un voyage en Persie
D'Aboufeyl



Turcoman
Voyage en Perse
Duboufflet



افغان

afghan.

afghan



*Voyage en Perse
D. Aubrey*

*homme de
Derbene*



سلطان
پسند

voyage en Perse
Zuhoufey

آغا آقا سید محمد امام جمعیله
سوفین





محمد کا بی

voyage en Perse
Babouret

شاه میرزا



Turcoman



afghan
Beloutche
Voyage en Perse
Dufour



Afghan
cloutche

شاهین

voyage en Perse
Duchouquet



شهراد

voyage en Perse

Dahouf



سید علی

Ispahani

علی



Derivhe
d'Israhim.



طسیرخان







Kuride.

*vojny na kura
Duzuprot*



Kurde.

مراد جا



مراد



عبد الكريم

Kurde

Portrait of a man
in profile



مردمان کورد
در ایران

سجگرد

Kurde
Sourmyah





Gelodar du Shah.
Domestique chargé
de tenir son
cheval





Perse.
Sudouest.
Khorouistan

Bactyari
sur montagnes en
Khorouistan



افغان فتره‌ار



Afghan.

افغان شده ابر



afghan

Person de
Korablar

آدم خرد



Person de Korablar

militar Persan 1852 Fehowadar





کوردان مریه



Kurde J'ourmisch

ترکمان تگه



Turkoman



Derwiche Jordan



درویش اسلام



Remarque l'Espagnol



marob (puma di leon)

1860

Perse

سیراب کبران



karsona se klontiaou (mirab)



۵۰۳۰



Chester





1858





Derviche 1858





Kaliamoi 1858

homme de Schuster,
Guristan



afghan de Kandahar



arabe de Kербela



pipe
arabe
en terre rouge

homme de Chester (Lancaster)



homme de
Jezd



homme de
Jezd.



Jezd.



مردی از سال ۱۲۰۰

Jezd.



آقا محمد ابراهیم باقری



Kaliandar



абдар.





*Chines Kuddas, quem longos
et pedes. Orillos compend.*

Kaliandax.

Tufentkax

Couth tchi

Fazibahn

abdar.



Les Indiens, accompagnés de leurs capotels, autour d'un feu
dans le désert.

(Forse)

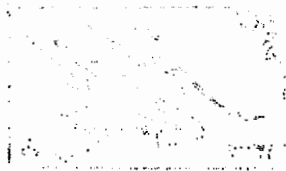
Paris

Conférence religieuse 1869
à Tzaphan













Portrait of a man

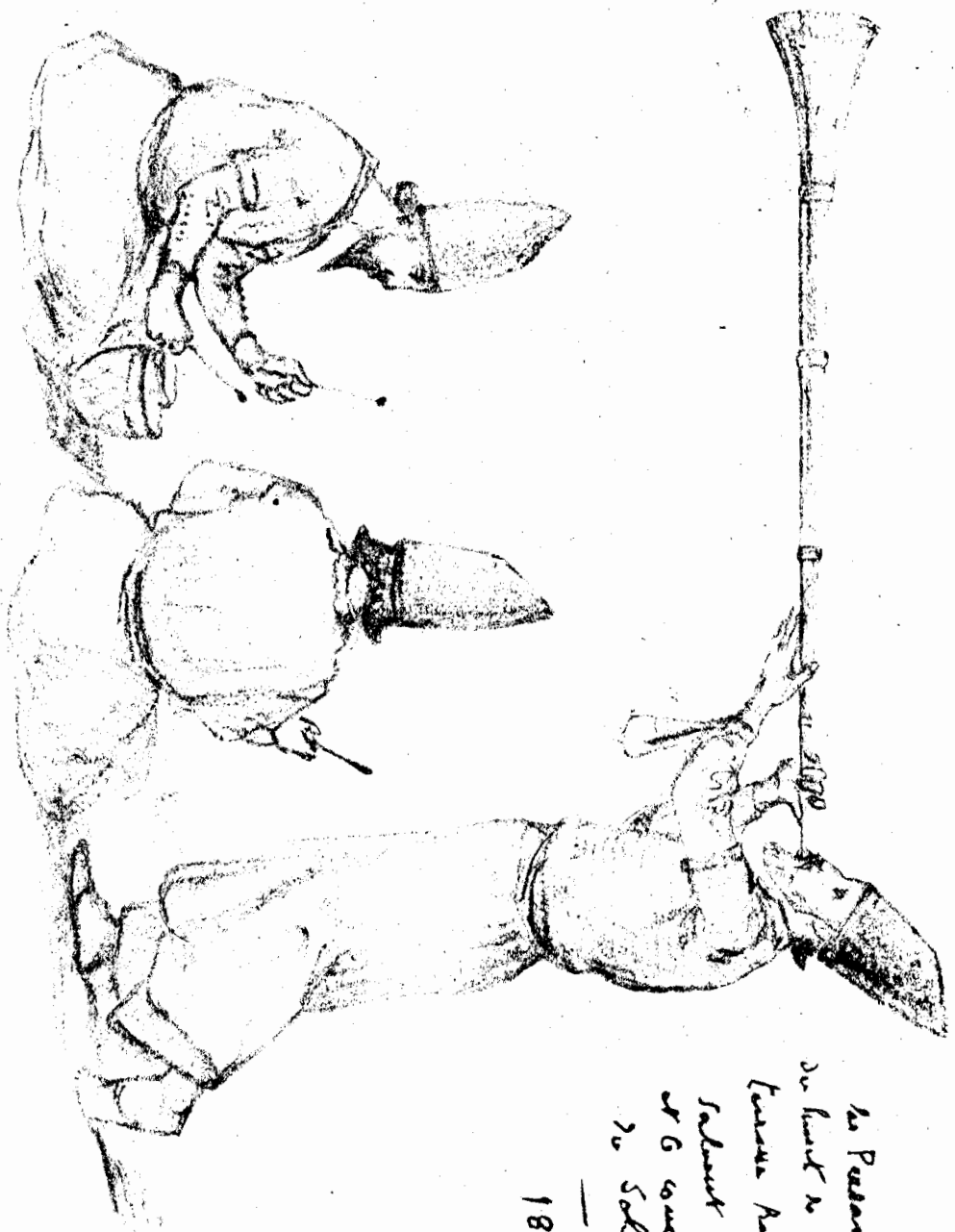


Paris 1859









As Persons
Du Pont & Co
Lancaster England
Salmon & Co
of G some hrs
to Sold

1858



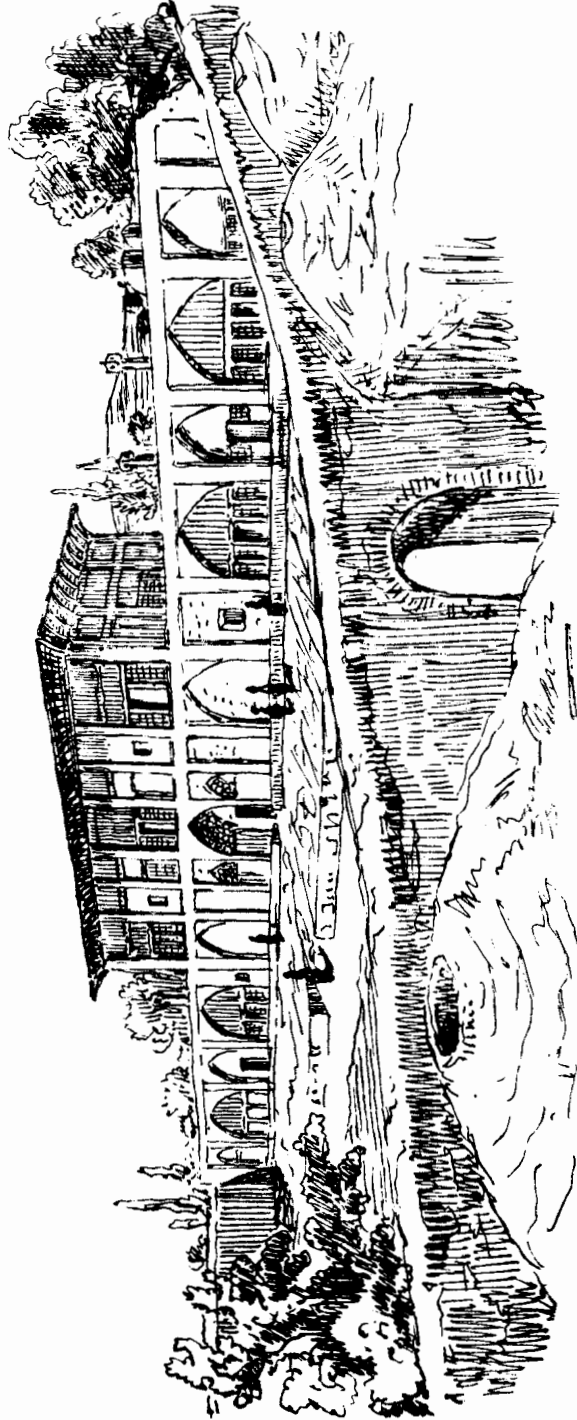


Beninche



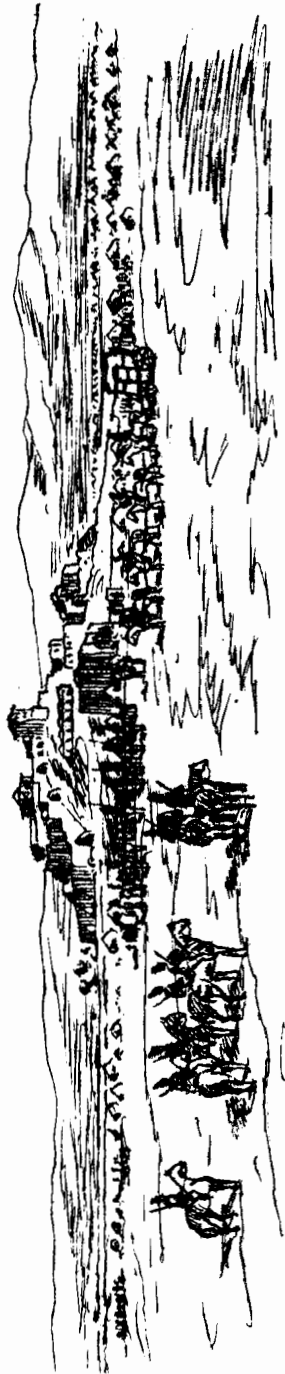
٨٩

Château d'Abbas - Muzg
ou l'église de Mission. Le château
français a son passage à Ebbis.



Chaque jour on se rend
au camp de Sultanich,
depart pour le chate

مادرت سلطانين



مادرت سلطانين

Compagnie de la Mission M^{re} Françoise
au Camp de Sultanich

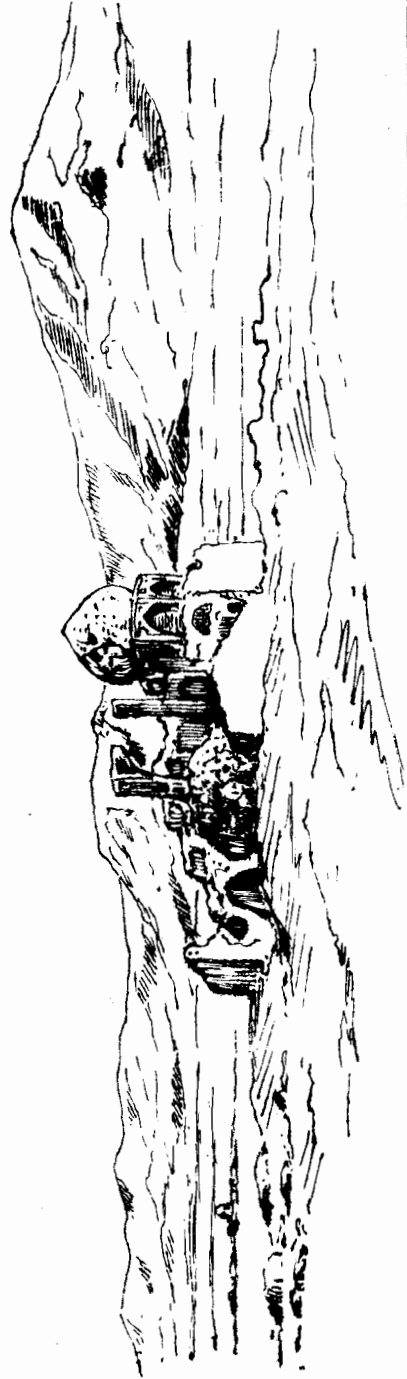


Kaschan.



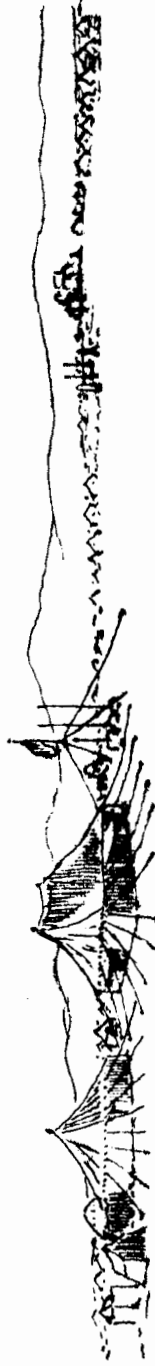
حسن قاسم

imamzadeh Hassan Khatun (Sultanich)



قوتی سولطان

Qontes du Sephadalar au Camp s. Sultanich



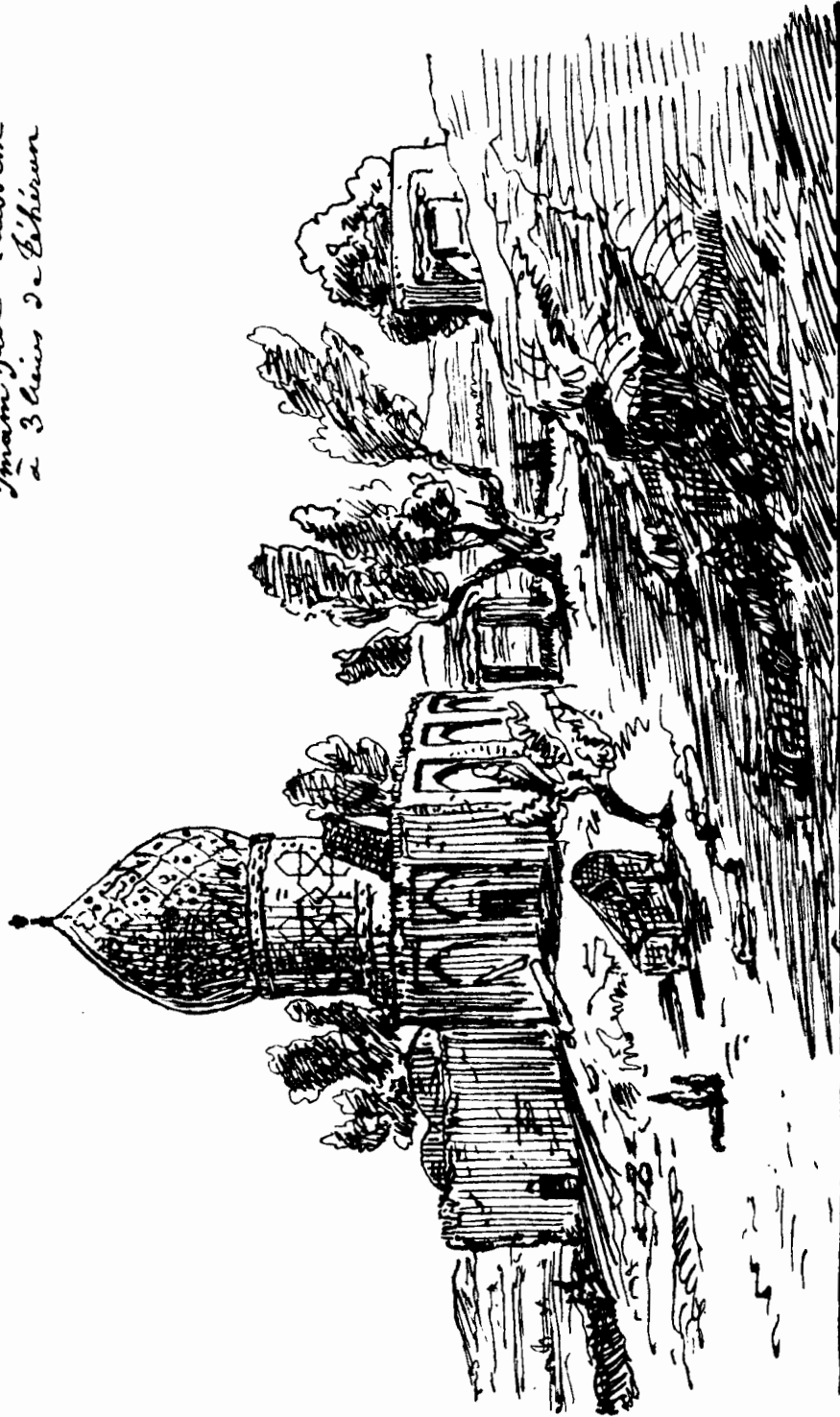
Kaflancou

قادران کوه



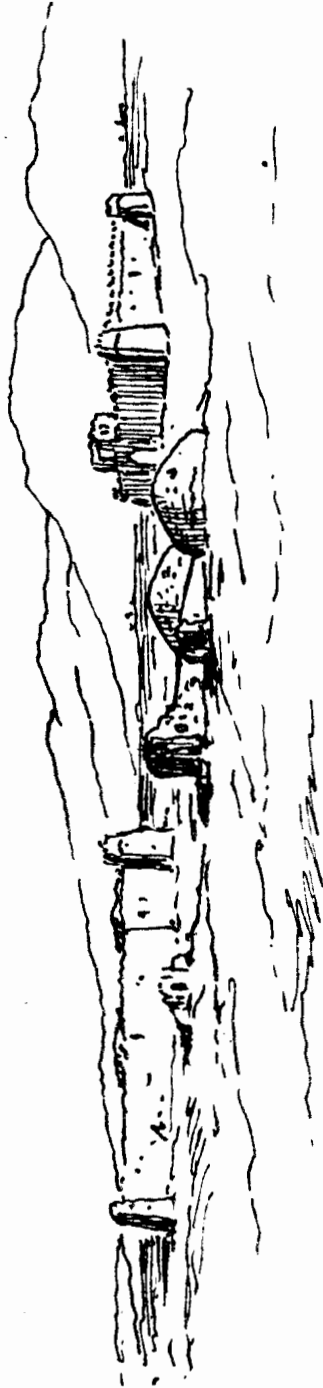


Imamzade Kaddem
à Bains de Chirou



پانگهان

Panzhang
route 9, Zepokan



سین

Sin
route 9, Zepokan



تورک شہی
Chaudhury

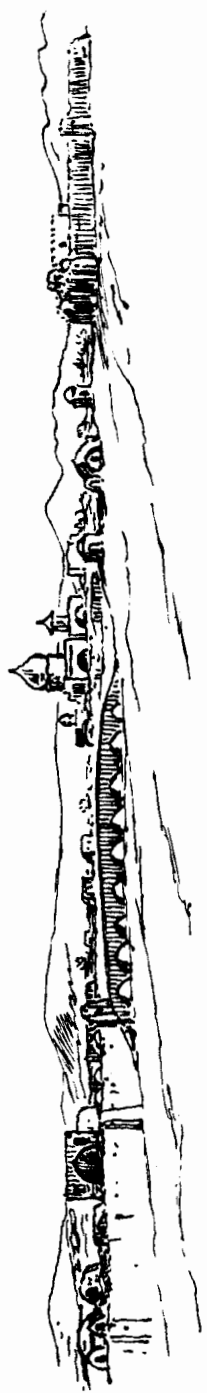
پونہ و لہور ۱۸۵۷ء





3

Kom.



Memzadi piri Caschan.



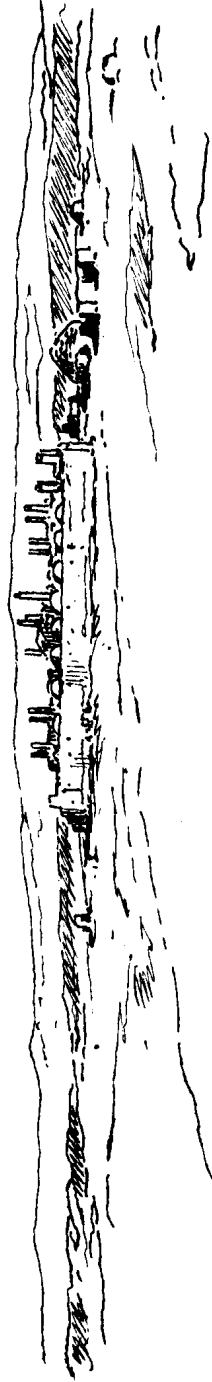
کندھک

Kandahar. Kabulistan
Route of the



وولگان

Wolgan. 2. vol
Route of the

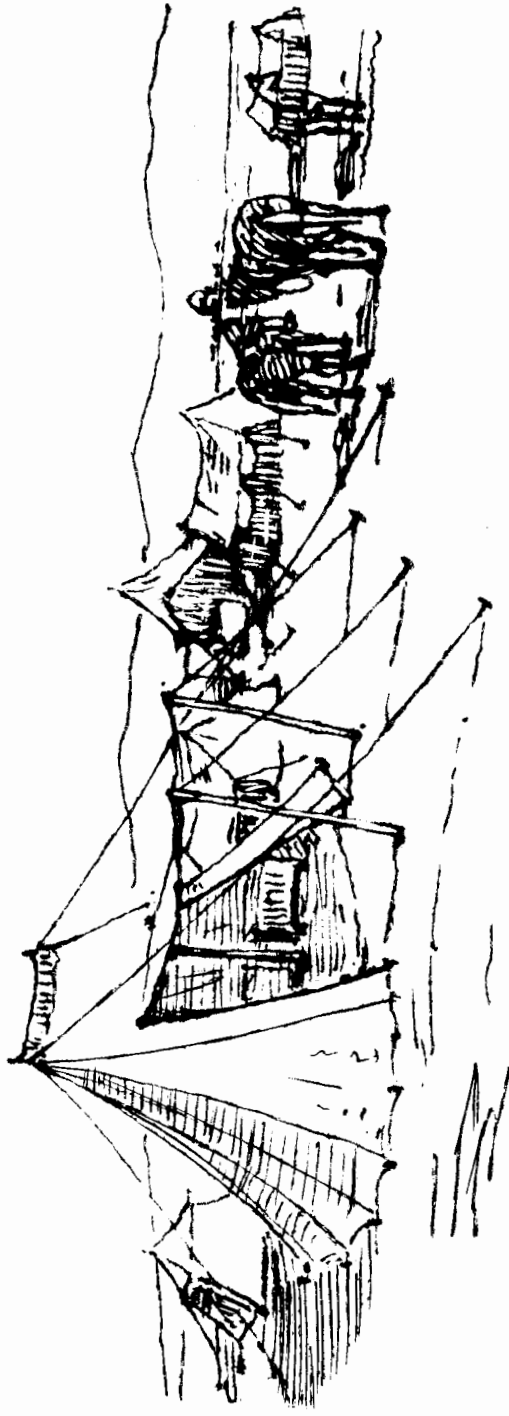


در بید ان رنجان

Porte du Meidan a Zangan



Tentes du Capit^e Duboussat
au Camp de Sultanah



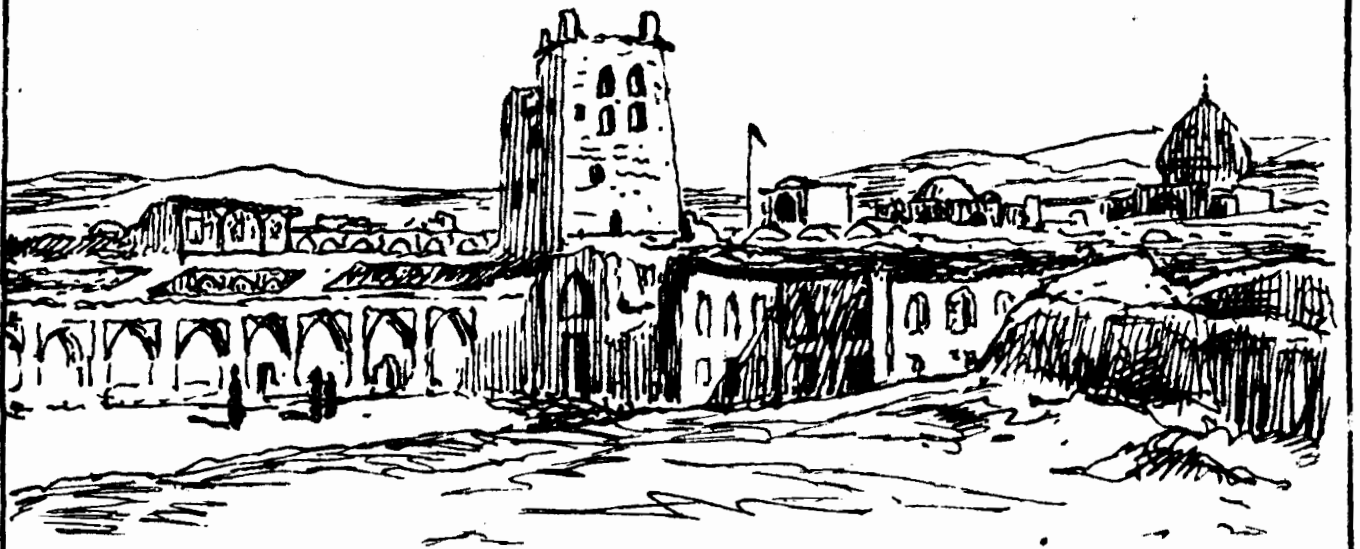
مسجد زنگانی

mosquée a Zenjan



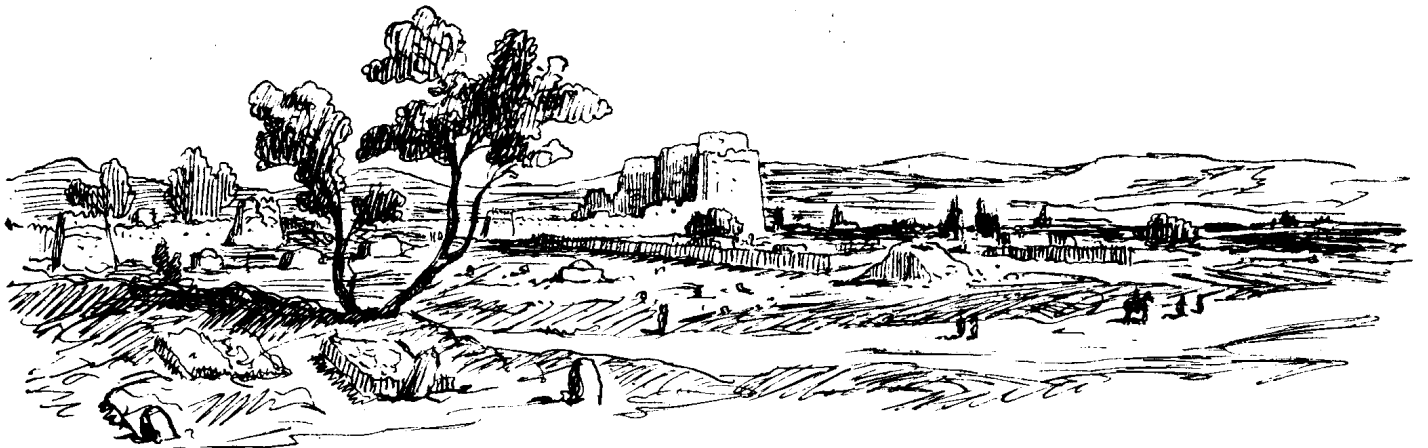
زنگان

Zenjan



درک تبریز

Arx
(Albriz)



میدان کورپاسی در تبریز

Pont du Maidan
(Albriz)



ارک

Arc. Citadelle de Lebriz.



کوی مسجد

Mosque Bleue en ruines
Lebriz



پسرل اوزن

pont sur le Kizil-ouzen.



میانج

Mianeh



Kom



Kom



Campement du chargé d'affaires Français
au Camp de Sultanieh.



Campement de la Légation Anglaise
au Camp de Sultanieh



Murchakhor. Etape sur la route
3^e Djyahan.



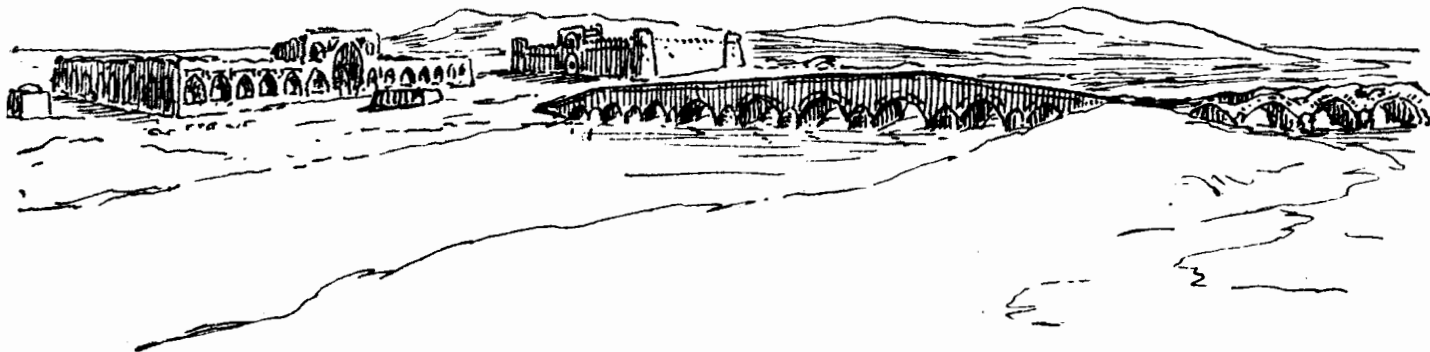
حدود انزلی و صدرا آباد

Caravanserai sur la route.



پل واداک

Pol. Dallah 3^e relai.
route 3^e Djyahan



در وایع قوس

Porte de Casbin



در وایع نو

Porte Neuve



در وایع شاه جلاله شاه عظیم

porte a Schah Abdul azim.



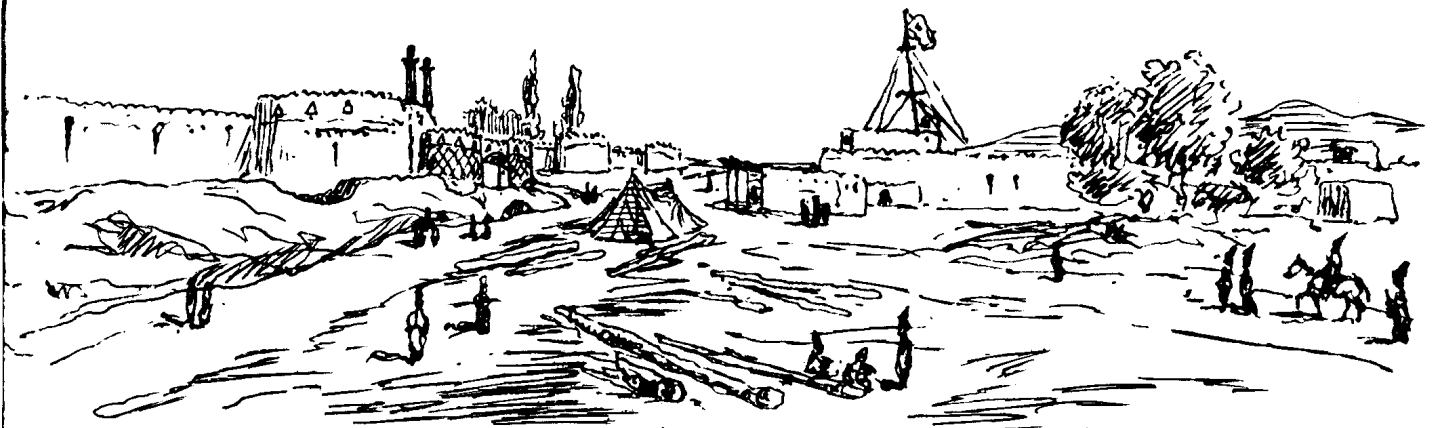
دروازه اولاد

Porte Dulab



دروازه شمیران

porte Chimram



دروازه دولت

porte du gouvernement.



